



شوروی ضد شوروی

ولادیمیر واینوویچ
ترجمه بیژن اشتری



فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۱	چند کلمه‌ای درباره خودم
۱۷	زمینه شوروی
۲۹	قسمت ۱
۲۹	نان روزانه ما؛ تصاویری از زندگی در شوروی
۳۱	پاسپورت شوروی
۳۹	نان روزانه ما
۴۷	ای وای، ای وای
۵۵	چند کلمه‌ای درباره گاوهای مقدس
۶۳	بدون حزب لنین
۷۱	پروپاگانداي ضدشوروي شوروي
۹۷	هموطنان روسم
۱۰۳	یک زن کارگر ساده
۱۱۱	شنژری از خرسون
۱۱۷	شرف حزبی
۱۲۱	وفادار ماندن به خط حزب
۱۲۷	درخت سال نو

زمینه شوروی دنیای بشکه‌ای شکل

یک زمانی تابستان‌ها را در داچایی^۱، در بیرون از شهر مسکو می‌گذراندم. در آن ایام وقت‌گذرانی، جدای از مقداری کار نوشتنی و تلاش ناموفق برای پرورش سبزیجاتی از قبیل تربیچه قرمز، مشغول بررسی و مشاهده پاره‌ای از اشکال گوناگون حیات شدم. در محوطه داچای ما، یک بشکه آهنی وجود داشت که نصفش پر از آبی بود که از مدت‌ها پیش راکد و ساکن باقی مانده بود. سطح آب بشکه تقریباً همیشه ثابت بود و دلیلش هم تناوب منظم روزهای آفتابی و بارانی بود. طی تابستان، سروکله نوعی از سوسک‌های شناگر در آب راکد و آلوده بشکه پدیدار می‌شد. سوسک‌ها از سطح آب خیز برمی‌داشتند و به اعماق آب شیرجه می‌زدند. آن‌ها ظاهراً در پی صید طعمه‌هایی بودند که من قادر به دیدنشان نبودم. زندگی این سوسک‌ها به نظرم خیلی مرموز می‌آمد. از خودم می‌پرسیدم زمستان‌ها که بشکه یخ می‌بندد، این سوسک‌ها یا لاروهایشان چطوری زنده می‌مانند؟ آن‌ها در زمستان از چه چیزی تغذیه می‌کنند و راز زنده ماندنش چیست؟ واقعیت این بود که سوسک‌ها، به رغم سرمای وحشتناک زمستان، زنده مانده و یک جورهایی زاد و ولد کرده و با خوردن چیزهایی که من نمی‌دانستم چیست، به حیات خودشان ادامه داده بودند. اما چه می‌شد اگر سوسک‌ها توان اندیشیدن پیدا می‌کردند؟ آن‌ها در این صورت، دنیای اطرافشان را چگونه درک و

۱. Dacha: ویلا یا خانه ییلاقی به زبان روسی.

فهم می‌کردند و چه تصویری از آن داشتند؟ به گمانم فهم و تصورشان چیزی مثل این بود: دنیا بشکه‌ای شکل و نیمی از آن پُر از آب راکد و گندیده است. این نوع آب بهتر از آب تازه است (که گاهی وقت‌ها از بالا می‌بارد) زیرا محیط طبیعی ایدئالی برای حرکت کردن و حفظ گرما مهیا می‌کند و واجد انواع عناصر مغذی است. مرزهای این دنیا مدور و به آسانی قابل دسترسی است و از ماده‌ای سخت درست شده است. اما در فراسوی محدوده‌های این دنیای مشخص و باثبات، دنیاهای دیگری هم وجود دارد که در آن چیزها چندان باثبات نیست و همه چیز به تناوب روشن و تاریک می‌شود. موقعی که بیرون نور باشد، یک چیز گرد و داغ به آهستگی از بالای سرمان عبور می‌کند، و موقعی که بیرون تاریک باشد، سروکلۀ سوسک‌های براقی که می‌کوشند یواشکی راهی به درون بشکه بیابند، پیدا می‌شود. آن دنیای دیگر باید خیلی بدتر از این دنیایی باشد که ما داریم در آن زندگی می‌کنیم، زیرا از همین دنیای بیرونی است که ما گرمای گُشنده و سرمای سوزان را دریافت می‌کنیم. بعضی وقت‌ها هم بالای سرمان یک چیزهایی می‌آید که تولید رعد و برق می‌کند.

با نگاهی به این دیوژن‌های^۱ طبیعت، همه چیز برایم روشن شد: این سوسک‌ها خودِ ما^۲یم - مردم شوروی!

ما در یک بشکه متولد می‌شویم، زندگی می‌کنیم و سرانجام می‌میریم. ما نمی‌دانیم در خارج از مرزهای بشکه چه می‌گذرد و اصلاً نمی‌توانیم به خاطر بیاوریم که چطوری و چگونه سر از این بشکه درآورده‌ایم. ما فارغ از این که پس‌زمینه‌هایمان چقدر متفاوت است، پس از سال‌ها زندگی در این بشکه، جملگی به نقطه نظر مشترکی درباره دنیا رسیده‌ایم: دنیا بشکه‌ای شکل است. آن‌هایی که در بشکه زندگی می‌کنند تصورات و ادراکات خاص خودشان را درباره خیر و شر دارند. در بین آن‌ها، هم قدیس هست هم ابلیس. باهوش‌ترین آدم‌های این دنیا بو برده‌اند که به احتمال بسیار زیاد، دنیاهای دیگری هم وجود دارد و حتی چه بسا انبوهی از بشکه‌های مشابه دیگر وجود داشته باشد؛ بشکه‌هایی که در آن‌ها زندگی و حیات شکل نسبتاً متفاوتی دارد. آزادی‌خواه‌ترین

۱. Diogenes: فیلسوف کلبی مسلک یونان باستان، متولد ۴۱۲ قبل از میلاد و متوفای ۳۲۳ قبل از میلاد. دیوژن درون یک بشکه (یا خمره) زندگی می‌کرد و در ازای دریافت صدقه، پنندهای حکیمانه به مردم می‌داد. ظاهراً زندگی بشکه‌ای این فیلسوف یونانی نویسنده کتاب را به یاد سوسک‌های بشکه‌ای‌اش انداخته یا برعکس...م.